

جهانی شدن در بستر سرمایه‌داری

دکتر محمدحسین رفیعی، علی یوسفی

سرشناسه: رفیعی، حسین، ۱۳۲۴-
عنوان و نام پدیدآور: جهانی شدن در بستر سرمایه‌داری / محمدحسین رفیعی، علی یوسفی
مشخصات نشر: تهران: صمدیه، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۹۴ ص
شابک: 978-964-5790-79-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: جهانی شدن
موضوع: سرمایه‌داری
موضوع: جهانی شدن -- جنبه‌های اقتصادی
شناسه افزوده: یوسفی، علی، ۱۳۵۵ -
رده‌بندی کنفرانس: JZ۱۳۱۸/ر۶۶ج۹ ۱۳۸۹
رده‌بندی دیویی: ۳۳۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۸۹۹۴۵



انسترات
صمدیه

جهانی شدن در بستر سرمایه‌داری

- نویسندگان: دکتر محمدحسین رفیعی و علی یوسفی
- طراح جلد: باسم رسام
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲
- قیمت: ۶۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: کامیاب
- ناشر: صمدیه
- مدیر نشر: لطف‌الله میثمی
- مسئول تولید: آرمان رضاپور
- نشانی: تهران، میدان توحید، نصرت غربی، شماره ۲۴، طبقه سوم، کدپستی ۱۴۵۷۸۳۷۴۵۴
- صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۸۹۵ تلفاکس: ۶۶۹۳۶۵۷۵ - ۰۲۱
- فروشگاه اینترنتی: bookonline.hamvar.ir
- مرکز توزیع: شرکت بازرگانی کتاب گستر، تلفن: ۲۲۰۱۹۷۹۵ - ۰۲۱
- حقوق ناشر محفوظ است

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۱	فصل اول: مبانی نظری جهانی شدن
۱۳	مفهوم جهانی شدن
۱۴	تعاریفی از جهانی شدن
۱۸	روند جهانی شدن
۲۱	پیامدهای جهانی شدن
۲۲	دیدگاه موافقان جهانی شدن
۲۳	دیدگاه مخالفان جهانی شدن
۲۵	فصل دوم: نظر چند تن از اندیشمندان درباره جهانی شدن
۲۷	نظریه پردازان کلاسیک
۲۸	نظریه های متأخر
۲۸	برخی نظریه های پراکنده دیگر
۲۹	آنتونی گیدنز و جهانی شدن
۳۰	هاروی و جهانی شدن
۳۲	رابرتسون و جهانی شدن
۳۵	فصل سوم: جهانی شدن، سرمایه داری و ابعاد آن
۳۷	سرمایه داری و جهانی شدن
۴۷	جهانی شدن اقتصاد

۵۰.....	ویژگی‌های جهانی شدن اقتصاد.....
.....	صندوق بین‌المللی پول (IMF) بانک جهانی (W.B) و سازمان تجارت جهانی
۵۶.....	جهانی (WTO) نماد جهانی شدن اقتصاد.....
۵۹.....	جهانی شدن فرهنگ.....
۶۰.....	مفهوم جهانی شدن فرهنگ.....
۶۵.....	اشکال فرهنگ جهانی.....
۶۶.....	نشانه‌های یک فرهنگ جهانی.....
۶۷.....	نقش عقلانیت هدفمند در بستر شکل‌گیری جهانی شدن فرهنگ غربی.....
۶۹.....	جهانی شدن فرهنگ با جهانی‌سازی فرهنگ.....
۷۱.....	جهانی شدن سیاست.....
۷۱.....	مفهوم جهانی شدن سیاست.....
۷۳.....	مفهوم حاکمیت دولت و روند تحولات آن.....
۷۳.....	حاکمیت دولت و جهانی شدن.....
۷۵.....	دولت و جهانی شدن.....
۷۶.....	جهانی شدن و منطقه‌گرایی.....
۸۰.....	فصل چهارم: ارزیابی.....
۸۸.....	منابع و مآخذ.....

پیشگفتار

بحث در مورد گفتمان‌های جهانی‌شدن و یا جهانی‌سازی شامل بررسی پیش‌فرض‌ها، کانون‌ها و گفت‌وگوهای متعدد است. با وجود ابداع نظریه‌های نسبتاً متنوع در مورد جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی در سال‌های اخیر واقعیت این است که این مقوله به صورت‌های متفاوت و برای هدف‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. تعریف و دیدگاه‌های مختلفی در مورد جهانی‌شدن ارائه شده است. یکی از گفتمان‌های رایج در سطح جهانی در مورد آن گفتمان ایدئولوژیک است، این گفتمان‌ها هم در اردوگاه چپ و هم در اردوگاه راست در شکل‌های ضدجهانی‌شدن (یا تعجیر جهانی‌سازی) و طرفدار جهانی‌شدن ظاهر شده است.

در عین حال اغلب از جناح چپ فراوان گفته می‌شود که جهانی‌شدن فعالیت‌های آزادیبخش «محلی» را فلج می‌کند و این که جهانی‌شدن موفقیت شرکت‌های چندملیتی یا فراملیتی، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول را نشان می‌دهد، که در عین حال خرابی و دستاوردهای محلی را متوقف می‌کند و ابزاری برای سلطه بیشتر بر کشورهای جهان سوم است و قدرت رقابت این کشورها را از بین برده و اقتصادها و افراد فقیر را هر چه بیشتر به حاشیه می‌راند. در گفتمان راست، جهانی‌شدن متضمن آزادی بیش از پیش سرمایه‌داری و همچنین نیرویی برای موفقیت اقتصادی به شمار می‌آید و با وابستگی متقابل اقتصادی جهان، زمینه را برای

پیشرفت اقتصاد و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. آنچه مهم است «جهانی شدن» به عنوان واژه رایج دهه ۱۹۹۰ به عنوان روندی از دگرگونی از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم، فرهنگ، کسب و زندگی را نیز در بر می‌گیرد، از این رو جهانی شدن پدیده‌ای است که قابل تسری به حیطه‌های گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حقوقی، نظامی، فناوری و همچنین عرصه‌های متفاوت عمل اجتماعی است. اما به راستی کدام گفتمان در حال شکل‌گیری است، چپ یا راست؟ با توجه به این نگرش مفهوم جهانی شدن برای مناطق و کشورهای مناطق معانی مختلفی را به همراه دارد و هر کشور، هر گفتمان را بر اساس منافع خودش تفسیر می‌کند. به همین منظور این نوشته درصدد آن است که ابتدا مفهوم «جهانی شدن» را از هر طیف مطرح نماید، به طوری که هم تعاریف له و علیه و به عبارت بهتر هم از اردوگاه چپ و هم از اردوگاه راست را به صورت منصفانه بیان دارد. همچنین ویژگی و مقوله‌های چالش‌انگیز در جهانی شدن یعنی اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهد و در نهایت دلایل موافقان و مخالفان را در مقابل هم قرار دهد.

نتایج ملموس دو دهه اخیر، نتایج متفاوتی را پیش روی ما می‌گذارد؛ از یک سو، ظهور غول‌های قدرتمندی در حیطه اقتصاد و نیروی استراتژیک چون هند، چین و برزیل و در میان کشورهای اسلامی توفیقات ترکیب و مالزی و کشورهای کوچک خلیج فارس و از سوی دیگر کشورهای آسیای میانه و حتی روسیه و اخیراً یونان، مشکلات ناشی از این پدیده را عیان می‌سازند. قطعاً این نوشته بدون عیب و نقص نیست، به همین منظور از خوانندگان و صاحب‌نظران دعوت می‌شود که نویسندگان را در برطرف کردن نقایص در چاپ‌های بعدی یاری دهند.

محمدحسین رفیعی و علی یوسفی

مقدمه

جهانی شدن فرایند رو به گسترشی است که همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را درنوردیده و تمامی کشورهای جهان به گونه ای با آن درگیر هستند. در دنیای امروز همه چیز در بین جوامع در حال تغییر است. سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه، تفکر و اندیشه، آداب و رسوم، فرهنگ، تولید و مصرف و هر آنچه که قابلیت دارد به برکت رشد تکنولوژی و ارتباطات سریعاً در اختیار جوامع قرار می گیرد. سازمان های پولی، مالی و تجاری جهانی که سنگ بنای تمامی آنها در کنفرانس «برتن وودز» در سال ۱۹۴۴ در آمریکا گذاشته شد، مهمترین اقدام دولت های غربی برای خروج از رقابت های تلافی جو بوده است.

مؤسسات گروه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی از دستاوردهای این اقدام بودند. کشورهای در حال توسعه برخوردارهای متفاوتی در دوره های مختلف زمانی در برخورد با این افزایش همکاری های جهانی، همگرایی و جهانی شدن داشته اند. این گروه از کشورها در اجلاس جامعه ملل در سال ۱۹۲۴ و سپس اجلاس سال ۱۹۴۶ در لندن از مخالفین سرسخت منع محدودیت های گمرکی و تعرفه ای بودند. این اقدام را به معنای از دست رفتن صنایع نوزاد و اضمحلال فعالیت های خویش در عرصه رقابت با شرکت های قدرتمند غربی می دانستند. در این فرایند شاهد تأثیر عمیق اقتصاد، فرهنگ، سیاست غرب بویژه امریکا بر حیطه های اجتماعی کشورهای جهان سوم هستیم. واقعیت موجود - هر چند تلخ - این

است که غرب در تمام شئون زندگی کشورهای جهان سوم تأثیر گذاشته است، به طوری که بیشتر ما شاهد جهانی‌سازی هستیم تا جهانی‌شدن؛ کافی است به اطراف خود بنگریم تا عمق مسئله را دریابیم.

سه موضع متفاوت می‌توان درخصوص جهانی‌شدن اتخاذ کرد؛ برای گروهی سرمایه‌داری پیروز و مستقر شده است. آنها می‌پندارند که باید در مقابل سرمایه‌داری تسلیم شد و با آغوش باز به استقبال آن رفت. نقطه مقابل این نگرش از آن کسانی است که پشت کردن و در صورت امکان مبارزه با جهانی‌شدن را پیشنهاد می‌کنند. پیروان این نگرش جهان‌گستری را مقوله‌ای ارادی و در کنترل عده‌ای خاص می‌دانند، به گمان آنها این اراده در حال حاضر در اختیار دشمن است و برای دفع آن باید کوشید. این نگرش نیز نوعی تسلیم است؛ دنباله‌روی و تسلیم، دو روی یک سکه است. نگرش سومی هم وجود دارد که با دو نگرش قبلی منافات دارد، به طوری که نه تسلیم می‌شود و نه سرستیز دارد. تأمل و تدبیر را پیشه می‌کند و بر موجهی که ایجاد شده سوار شده و از فرصت‌ها به نفع منافع ملی بهره می‌برد. تسلیم، اعراض و بازیگری نقادانه در اختیار ماست؛ اول مصرف‌کنندگی و تماشاجی بودن، دومی بهم زدن بازی و محال‌اندیشی و سومی بازیگری و در صحنه بودن است. تجربیات تاریخی دوران‌ساز این سه نقش را فراروی آدمی می‌گذارد و جهانی‌شدن این نقش‌ها را برجسته‌تر و برتر کند. به ما نشان می‌دهد؛ کدام‌یک را باید برگزینیم: تسلیم، مقابله و یا بازیگر بودن. به نظر نگارنده دو راه‌حل اول منفعلانه است. راه‌حل سوم مسئولیت‌مان را در جهت شناخت ظرفیت‌مان بیشتر کرده و در نهایت در جهت حفظ منافع ملی است. برای بازیگر بودن و صحنه را در دست گرفتن ابتدا باید ظرفیت خود و ابعاد مختلف این پدیده را بشناسیم، به همین منظور در مورد اخیر با شکافتن «جهانی‌شدن» و «سرمایه‌داری» ارتباط آن دو را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم تا با شناخت کامل با پدیده جهانی‌شده روبه‌رو شویم.